

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ سارا عابد-

برگردان از: حمید محوی

۲۵ سپتمبر ۲۰۱۷

فصل سوم- ۱

کردها، سلاح بی ثبات سازی جمعی و اشنگتن در خاور میانه



مفسر سیاسی و روزنامه نگار مستقل

در این سومین و آخرین بخش از بررسی طرح ایجاد یک دولت کرد خارج از کردستان تاریخی و با خسارت آوردن به مردم عرب و مسیحی، سارا عابد مشاهدات دهشتناکی را مطرح می کند. این مقاله می تواند نزد برخی از خوانندگان ما طرفدارانه به نظر برسد، با وجود این همه گزارشات از اعتبار کافی برخوردار بوده و صحت آنها به سادگی اثبات پذیر است

شبکه ولتر ۰۹ سپتمبر ۲۰۱۷

کردها و آشوری ها: تنش های قدیمی به روز شده:

بخش مهمی از آنچه کردها به مثابه فرهنگ خاص خودشان معرفی می کنند و مدعی آن هستند از فرهنگهای قدیمی تر به عاریت گرفته شده، از جمله آشوری ها، ارمنی ها و کلدانی ها. در واقع بخش مهمی، اگر نگوئیم کل سرزمینی که در شرق ترکیه به فراخاست کردها تعلق دارد و مدعی آن هستند در گذشته به ارمنی ها تعلق داشته است. به سادگی درمی یابیم که به چه علتی کردها در کشتار جمعی آشوری ها و سپس ارمنی ها در سال ۱۹۱۵ به دست تُرکها (۱) شرکت داشته اند (۲).

گروهی از مردم قریبانیان کشتار جمعی ارمنی ها در سال ۱۹۱۵ را در دیرالزور، سوریه به تاریخ ۱۹۳۸ از زمین بیرون می کشند.



© Musée-Institut du Génocide Arménien

این رویداد به نام «سال شمشیر» نیز شهرت دارد، این کشتار جمعی مسیحیان ساکن امپراتوری عثمانی را طی جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۵ هدف گرفته بود (۳) و تا ۷۵٪ موجب کاهش جمعیت آشوری ها شد.

در دشت نینوا، در شمال عراق، کُردها در شهرها زندگی می کنند. یکی از این شهرها دُهوک (یا دُهوک به معنای دهکده کوچک) است که در گذشته آشوری ها آن را ناهودرا می نامیدند، و این شهر از وقتی که کُردها اخیراً در آنجا ساکن شدند به آنان تعلق گرفت. ولی اگر فقط به شاخص هویت فرهنگی و اصالت تاریخی به قدمت چندین هزار سال اتکاء کنیم، این سرزمین ها همیشه به آشوری ها تعلق داشته است. ولی این سرزمینها را در سالهای ۷۰ به کُردها اهداء کردند، زیرا هدف این بود که توجه کُردها را از شهر کرکوک (شهر عراقی) و پیرامون آن که غنی از منابع نفتی ست، منحرف کنند. با چنین هدفی، مهاجرت کُردها به دُهوک صورت گرفت و موجب جابه جایی بعضاً اجباری آشوریهها شد، در نتیجه فراخواست آشوریهها از دیدگاه حقوقی و تاریخی خیلی موجه تر به نظر می رسد.

این تاکتیکی ست که عموماً از سوی کُردها به کار بسته می شود تا به «تلاش مقدس» خودشان برای ایجاد دولت مستقل قانونیت ببخشند، یعنی چیزی که هرگز در تاریخ وجود نداشته است. تاکتیک چنین است که هر کجائی که در دوره ای خاص کُردها به آنجا سرازیر شده و انتقال یافته اند را «کردستان» می نامند. ولی چنین امری برای ادعای حق مالکیت سرزمین کافی نیست.

در آغاز سالهای ۷۰، کُردهای نینوا به ایفای نقش «مُهره» بازی در خدمت منافع ایالات متحده آمریکا خو گرفتند. در این وضعیت بود که به کشور میزبان خود خیانت کردند، و با میانجیگری شاه ایران که به سهم خود نقش عروسک خیمه شب بازی آمریکا را به عهده داشت مسلح شدند و علیه دولت مرکزی دست به شورش زدند.

دولت عراق آنان را از سرزمینهایی که اخیراً تصرف کرده بودند بیرون راند. عراق و ایران نیز در عرصه دیپلماتیک با هم سازش کردند. و نتیجه این شد که به قول ضرب المثل معروف «سرشان کلاه رفت» و در دامی افتادند که از این پس باید به سناریوی تکراری تبدیل می شد.

پدیده تقریباً مشابهی در سالهای ۹۰-۸۰ روی داد، یعنی وقتی که طی نخستین جنگ خلیج (فارس) منطقه ممنوع پرواز به نفع کُردها تمام شد و برای آنان پشتیبانی و حفاظت به ارمان آورد.



چریکهای حزب دموکراتیک کردستان پس از خارج کردن پایتخت «کُرد» از دست رقیبشان اتحاد ملی کردستان در اگست ۱۹۹۶ از دروازه های اربیل در عراق محافظت می کنند، در اول سپتمبر ۱۹۹۶. نیروهای رئیس جمهور عراق صدام حسین به اربیل حمله کردند و اتحاد ملی کردستان را بیرون راندند و به این ترتیب شرایط استقرار حزب دموکراتیک کردستان فراهم آمد. درگیری های داخلی ۲۰ میلیون از جمعیت کُرد را که در مناطق کوهستانی در نقطه اتصال مرزی سوریه، ترکیه، ایران، عراق، ارمنستان و آذربایجان به سر می بردند در شرایط بسیار بدی قرار داد.

«با وجود این که کُردها طعم ستم ترکها را چشیده بودند، در منطقه کردستان شمال عراق دولت اقلیم کردستان (GRK) به همان شیوه ای دست زد که دولت ترکیه طی ۹۰ سال علیه کُردها و آشوریه ها به کار برده بود. گزارشات حاکی از اعمال بی عدالتی فزاینده نسبت به آشوری ها در «کردستان» خودمختار عراق است. ما شاهد اذیت و آزار دائمی و سازماندهی شده به پشتیبانی مقامات کُرد هستیم. هدف همانی ست که ترکها در گذشته پی گیری می کردند، یعنی به زیر سلطه آوردن و یا اخراج آشوریهایی که طی ۷۰۰۰ سال در این سرزمینها زندگی کرده بودند، همان گونه که اوجین هنینک Augin Haninke در مقاله اش نوشته است: «کُردها، قربانی و ذرخیم آشوریه ها» (۴).

ویدئو: https://www.youtube.com/watch?time_continue=153&v=n3ZvYZKtsuY

همانگونه که ویدئوی بالا توضیح می دهد، نیروهای امنیتی کُرد در سوریه فرمانده نظامی آشوری دیوید جیندو David Jindo را شکنجه و سپس به قتل رساندند در حالی که برای همکاری برایش دعوتنامه فرستاده بودند، ولی در واقع دامی بود که پیش پای او گسترده بودند. این نوع شیوه های توطئه آمیز در تاریخ بی بدیل نیست و یادآور قتل اسقف سیمون نوزدهم بنیامین به دست اسماعیل آقا سیمیتکو می باشد که او را به خانه اش دعوت کرده بود (مترجم: اسماعیل سیمیتکو یا اسماعیل آقا شکاک معروف به سمکو شکاک رئیس ایل شکاک در منطقه مرزی ایران و ترکیه بود... در ۳۰ تیر [سرطان] ۱۳۰۹ به دست رضا شاه به کشته شد. مراجعه شود به ویکیپدیا)

دولت اقلیم کردستان در شمال عراق اعلان کرد که ۲۵ میلیارد دلار بدهکار است، گرچه علاوه بر فروش نفت کمکهای خارجی معنی داری نیز دریافت کرده بود (۵). در نتیجه ضروری ست تا درجه بزهکاری موجود در دولت کُرد را نیز به دلیل وضعیت اعلان شده به پرسش بگیریم. پیامد چنین امری چنین است که سازمان های کوچک خیریه به حال خود واگذار شده اند، با وجود این، در مورد تسهیل و پخش کمک به آشوری ها و یزدانی ها به اختیارات حقوقی دولت اقلیم کردستان تعلق دارد.



«میان رودان مهد تمدن» جمله مشهوری ست که در تابلوی بالا تعبیر تحریف شده اش را می بینیم : «کردستان مهد تمدن». این تابلو در سایت تاریخی آشوری خنس در شهر دُهوک واقع شده. از این نوع مکانهای تاریخی خیلی وجود دارد و غالباً طعمه بزهکاری می شود.

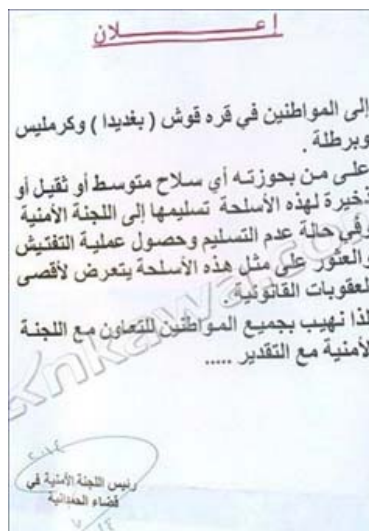
در سال ۲۰۱۱ امام های دُهوک کُردهای سنی مذهب را فراخواندند تا کلیساها و فروشگاه های مسیحی را تخریب کنند. در نتیجه، فروشگاه ها مورد حمله قرار گرفتند، کلوپها توسط گروه های صدها نفره به محاصره درآمدند. گروه های مهاجم با سلاح های کمری هتل ها و رستوران ها را تاراج کردند (۴). (ویدیوی زیر را ببینید)

https://www.youtube.com/watch?time_continue=281&v=eQKoWlaPam8

در این سال های گذشته، کُردها در مناسباتشان با اقلیت ها، از جمله با مسیحیان به علاوه آشوری ها و حتا یزدانی ها، به شیوه بزهکارانه ای رفتار کرده اند. این جنایات همان گونه که می توانیم در تصویر زیر ببینیم به شکل گسترده از چهارچوب رویزیونیسم تاریخی پا فراتر می نهد. رویداد مشابهی در آغاز قرن نوزدهم به وقوع پیوست و آن نیز وقتی بود که کُردها به شمال سوریه پناهنده شدند و عرب ها و آشوری ها را از چندین شهر بیرون راندند.

کُردها به داعش اجازه دادند که آشوری ها را قتل عام کنند

در جولای ۲۰۱۴، وقتی داعش شروع به نفوذ در خاک عراق کرد، حزب دموکراتیک کردستان (PDK) آشوری ها را دائماً خلع سلاح می کرد تا بعداً از آنها برای نبردهای خودشان استفاده کنند. راهنمای خلع سلاح که از سوی دولت اقلیم کردستان GRK در شهرهای آشوری در دشت نینوا منتشر شد.



اعلامیه هائی منتشر می شد و تهدید می کرد که آنانی که سلاح هایشان را تحویل ندهند شدیداً مجازات خواهند شد و در ازای آن پیشمرگها به مردم اطمینان می دادند که از آنان محافظت خواهند کرد.

ولی با پیشرفت و گسترش نیروهای داعش، پیشمرگها سلاح ها را توقیف کردند و مثل ارتش عراق پای به فرار گذاشتند. این وضعیت موجب شد که آشوری ها و یزدانی ها (یا ایزدی ها) در مقابل جهاد طلبان بی دفاع بمانند. حتا برخی گزارشات نشان می دهد که پیشمرگان یزدانی هائی را که می خواستند با سلاحهایشان فرار کنند مورد اصابت گلوله قرار می دادند و جلوی فرار آنان را می گرفتند.

حیدر ششو یکی از فرماندهان یزدانی ها موفق شده بود از طریق دولت عراق به تعدادی اسلحه دست یابد، ولی مقامات حزب دموکرات کردستان او را به جرم تشکیل گروه شبه نظامی «غیر قانونی» بازداشت کرد.

این صحنه در سرتاسر کشور تکرار شد و سرانجام به نقل از رویان اخبار موجب شد که بیش از ۱۵۰۰۰۰ آشوری به زور از سرزمین آباء و اجدادی خود و از دشت نینوا رانده شوند.

بی گمان در این رویداد چیزی به جز توطئه رهبران کرد نمی بینیم که هدفشان پاکسازی قومی و تخلیه منطقه از ساکنان غیر کرد با استفاده از مداخله یک نیروی خارجی (تروریستهای داعش) به کمک ایالات متحده امریکا بود تا سرزمینهایشان را تصرف کنند : بخوانید «سرزمینهای کرد را آزاد کنند».

در ۱۳ اپریل ۲۰۱۶، نیروهای امنیتی کرد مانع تظاهرات صدها نفر از آشوریهها در مقابل پارلمان دولت اقلیم کردستان شدند. این تظاهرات به هدف اعتراض به مصادره زمین های آشوریهها به دست کردها در شمال عراق سازماندهی شده بود.

گزارشات متعددی نشان می دهد که اعلامیه ای که جلوی پارلمان بریتانیا توسط اسیر سابق یزدانی، سلوا خلف راشو Salwa Khalaf Rasho ایراد شد، حاکی از این امر است که پیشمرگانی که می خواستند پیش از یزدانی ها فرار کنند، درخواست شهروندان غیر نظامی یزدانی ها را برای حفاظت و یا حفظ سلاح هایشان مردود دانستند. پیشمرگان حتا به یزدانی ها توصیه کردند که به نفع آنان است که به خانه هایشان بازگردند زیرا در آنجا از آنها دفاع خواهد شد.

برخی پیشمرگان در مقابل اعتراضات بیش از پیش پر تحرک، سرانجام به روی یزدانی ها آتش گشودند تا کاروانشان بی هیچ مانعی عبور کند. یزدا Yazda سازمانی ست که برای بازشناسی کشتار جمعی یزدانی ها مبارزه می کند، در ماهنامه خود در جنوری ۲۰۱۶ نوشت : «اگر [یزدانی ها] حتا برای یک روز حفاظت شده بودند، می توانستند در امنیت کامل منطقه را ترک و از کشتار و اسارت و بردگی شان به دست داعش اجتناب کنند».

آنچه در اینجا از نظراتان می گذرد گزیده ای ست از شکایات راشو Rasho در مجلس عوام بریتانیا که پس از رهائی از چنگ داعش طی هشت ماه بردگی و تحمل تجاوز و چندین ارتکاب به خودکشی درخواست کمک کرده است (۷).

«نام من سلوا خلف راشو Salwa Khalaf Rasho، متولد سال ۱۹۹۸ و در کلاس سوم دبیرستان بوم و زندگی ساده و فروتنانه ای را در کنار خانواده ام می گذراندم تا این که داعش در روز ۳ اگست ۲۰۱۴ به شنگال (در استان نینوا در شمال باختری عراق) حمله کرد. به این شهر، شنگال خیلی دلبستگی داشتم. در فضائی آمیخته به مدارا نسبت به اعضای جامعه مستقل از رسوم، آئین، ایدئولوژی یا دین بزرگ شده بوم زیرا ارزشهای مذهبی ام مرا از نفرت ورزی نسبت به دیگران و تبعیض باز می داشت.»

در واقع شنگال برای سنت مدارا و تنوع قومی شهرت خاصی داشت. ولی آنچه روی داد غافلگیرانه و شوک آور بود، زیرا ما داعش را به مثابه برادران خودمان تلقی می کردیم. من از قبیله های عرب دهکده هائی که در شنگال بودند

حرف می زنم. ناگهان این قبیله ها به داعش پیوستند و به هیولا و گرگ تبدیل شدند و زنان و کودکان یزدانی ها را به اسارات و بردگی کشیدند و مردان را نیز به قتل رساندند (۸).

در شهر من تقریباً ۹۰۰۰ پیشمرگ حضور داشت که سلاح های متنوعی در اختیار داشتند و به ما گفتند که : «ما از شما محافظت خواهیم کرد و از شنگال دفاع می کنیم. داعش برای ورود به شهر باید از روی جسد ما عبور کند. ما تا آخرین نفس از شنگال دفاع خواهیم کرد.»

متأسفانه، پیشمرگان بی آن که مقاومتی از خود نشان دهند از مقابل داعش گریختند، و بی آن که به مردم اطلاع رسانی کنند تا ما بتوانیم از گرفتار آمدن به چنگ هیولای داعش اجتناب کنیم. ولی زن و کودک را به سرنوشت شوم خود سپردند و رها کردند. مثل دیگران، من به همراهی افراد دیگری تلاش کردیم به مناطق کوهستانی فرار کنیم.»

ادامه دارد